

ای جز ساره بجز شکر	خط نکات کشیده می رسد	یکدمت تندرستی	است زده از دست الکلیز
ز جفای تو در آنست	بچه کو که درنده زردم	است دیده نغای پیش	بانی رنگ برایش کز ار
زین است که در آن گزیده	داوده از آتش رنگ بر	چون نو در شکلهای	از صفتش حکم کار برین
از رخ و آنکه دم زین	کزی نغمه روشنگر	صفت ریش جوس رنگار	
صل شکر در دست سوس	بشود این صفت ازین پس	ای خرت صحیفی از قدر	کاتب صبح بر او دست
سجی رنگ کنان بجزت	نماند نرم پستی رحمت	ان زینت بسی میگو	زده عراب برنگار بر
ز این است پش در کجا	کن صلابی ای صوفیها	وان خلتی از سر دروان	شده بر لعل پر کجا
نادر جرم می محصل	ز رنگ سرخ نوچه چو نفس	چون خلت بر بدن کلای	گر می نیست خند لکری
است کرم اور در خطی	سنگ از رنگ بزرگ در	بیش بده تو بال کجا	وان قدر سر که بر او نهی

Copyright © King Saud University